



سر مشق‌هایی برای حبيب شدن

سيد علي اصغر علوي

با همكاري محمد عبدالحسين زاده

## فهرست

- ۱۱ پیش درآمد  
۱۲ چرا حبیب؟  
۱۳ کدام حبیب؟  
۱۵ "لِمَاذَا تُحِبُّ الْحَبِيبَ؟!"  
۱۷ حبیب مبلغ  
۱۹ آتش نفس  
۲۰ الف) بیعت گرفتن برای نماینده امام، مسلمین عقیل  
۲۱ ب) همراه کردن مسلمین عوسجه با خودش برای رفتن به کربلا  
۲۲ ج) آوردن سپاه برای حضرت در شب هفتم محرم  
۲۳ تک خوری ممنوع!  
۲۴ شکار فرصت‌ها  
۲۵ خرج آبرو  
۲۶ سفیر فرهنگی امام  
۲۷ دغدغه‌مند (آرام و قرار نداشتن)  
۲۸ نفس حسین  
۲۹ هیچ دعوتی بی اثر نیست  
۳۰ سر نداشتن  
۳۱ هجرت از راحی  
۳۲ به نام حسین \*  
۳۳ شرط تأثیر تبلیغ  
۳۴ حبیب تشکیلاتی  
۳۵ چرا حبیب، تشکیلاتی است؟  
۳۶ حبیب، انسان کامل  
۳۷ بودن کنار ائمه؟  
۳۸ سابقه محبت به امام؟  
۳۹ موقعیت مکانی حضور در کوفه؟  
۴۰ قرآن خواندن؟  
۴۱ سن حبیب؟  
۴۲ ظرفیت نظامی؟  
۴۳ الگوی بخشی  
۴۴ فقاہت حبیب؟  
۴۵ عزم و اراده حبیب  
۴۶ حبیب تکیه گاه (نقطه اتکا)  
۴۷ توان جمع نیرو دارد

|    |                             |
|----|-----------------------------|
| ۵۰ | خستگی ناپذیری               |
| ۵۱ | روحیه سازی در جنگ           |
| ۵۲ | استاد گفتمان سازی           |
| ۵۳ | نقش کلیدی حبیب              |
| ۵۴ | فرصت سازی حبیب              |
| ۵۵ | تشویق امام                  |
| ۵۶ | حرکات دقیق؛ اندیشه های دقیق |
| ۵۷ | دیر آمد، ولی تلاقی کرد      |

|    |                                 |
|----|---------------------------------|
| ۵۹ | حبیب قرآنی                      |
| ۶۱ | لله درگ                         |
| ۶۲ | انس باقرآن                      |
| ۶۳ | تغییر نگرش به قرآن              |
| ۶۴ | انس باقرآن معیار فضیلت          |
| ۶۵ | حبیب هر شب یک دور قرآن را خواند |
| ۶۶ | شی باقرآن یعنی چه؟!             |
| ۶۷ | قاری عامل                       |
| ۶۸ | حبیب با یک شب عثو را حبیب نشد   |
| ۶۹ | مراثر انس                       |
| ۷۰ | عطش عامل حرکت                   |
| ۷۱ | استغناء عامل ترمز               |
| ۷۲ | کلام قرآن؛                      |
| ۷۲ | قرآن کریم لای                   |
| ۷۳ | شراب شبانه                      |
| ۷۴ | یلا حبیب قرآنی                  |
| ۷۴ | الگوگیری از حبیب قرآنی          |
| ۷۵ | مراه فاضل شدن                   |

|    |                                |
|----|--------------------------------|
| ۷۷ | حبیب فقیه (دین شناس)           |
| ۷۹ | هم قرآن هم عترت                |
| ۸۰ | درک استمرار به عنوان شرط فلاح  |
| ۸۱ | هم خود رسید هم دیگران را رساند |
| ۸۱ | فقاقت مطلوب                    |
| ۸۲ | تکلیف شناسی                    |
| ۸۳ | استنباط های حبیب               |
| ۸۴ | دقت های برخوردی حبیب           |

|     |                           |
|-----|---------------------------|
| ۸۷  | حبیب رفاقت                |
| ۸۹  | حبیب میثم                 |
| ۹۱  | حبیب مسلم                 |
| ۹۲  | رفاقت در وقت عروج         |
| ۹۴  | حبیب اصحاب                |
| ۹۵  | حبیب قبيله                |
| ۹۶  | حبیب حسین                 |
| ۹۷  | بن تائب حسین              |
| ۹۸  | صدای محبوب                |
| ۱۰۰ | حبیب دیلران               |
| ۱۰۱ | حبیب و تواضع              |
| ۱۰۳ | حبیب رقابت                |
| ۱۰۶ | العجل! العجل! یا مولای... |
| ۱۰۷ | شتاب حبیب به سوی امام     |
| ۱۰۸ | رقابت در درجات            |
| ۱۰۹ | رقابت در شهادت            |
| ۱۱۰ | رقابت شبانه               |
| ۱۱۱ | رقابت در قرآن             |
| ۱۱۲ | حرکت به سوی امام          |
| ۱۱۳ | خلاصه پنج گام             |
| ۱۱۵ | سرعت گیرها در رقابت       |
| ۱۱۶ | سرعت گیر ۱: پدران         |
| ۱۱۷ | سرعت گیر ۲: فرزندان       |
| ۱۱۸ | سرعت گیر ۳: برادران       |
| ۱۱۹ | سرعت گیر ۴: همسران        |
| ۱۲۱ | سرعت گیر ۵: اقوام         |
| ۱۲۲ | سرعت گیر ۶: اموال         |
| ۱۲۳ | سرعت گیر ۷: تجارت         |
| ۱۲۴ | سرعت گیر ۸: خانه ها       |
| ۱۲۵ | حبیب کوفی                 |
| ۱۲۶ | رقابت نفس گیر             |
| ۱۲۸ | یک نفس آمدن               |
| ۱۲۹ | نفس نفس تا حسین           |
| ۱۲۹ | مسابقه                    |
| ۱۲۹ | منافسه                    |
| ۱۳۰ | رقابت در سبک زندگی        |

|     |                                   |
|-----|-----------------------------------|
| ۱۳۱ | رقابت تا آخر زندگی                |
| ۱۳۲ | رقابت در زیارت                    |
| ۱۳۵ | حبیب مهدی                         |
| ۱۳۷ | فقیه امام                         |
| ۱۳۸ | دو نامه از یک امام                |
| ۱۴۰ | نامه به حبیب چرا؟                 |
| ۱۴۱ | یار امام نه بار امام              |
| ۱۴۲ | صاحب فضل                          |
| ۱۴۳ | دل گرمی امام                      |
| ۱۴۴ | بی قرار امام                      |
| ۱۴۴ | شبییه معشوق                       |
| ۱۴۵ | الی الرجل الفقیه (چرا حبیب؟)      |
| ۱۴۶ | رسیدن به محبوب                    |
| ۱۴۷ | شناسه مهدی یاوران                 |
| ۱۴۸ | تا آخر ماندن                      |
| ۱۴۹ | مدافع فرهنگ امام                  |
| ۱۵۰ | شکسته شدن امام                    |
| ۱۵۱ | با امام زمان بودن                 |
| ۱۵۱ | امید امام                         |
| ۱۵۳ | حبیب ولی                          |
| ۱۵۵ | اهل اشاره بودن                    |
| ۱۵۶ | تکلیف شناسی                       |
| ۱۵۶ | تکلیف گرایی                       |
| ۱۵۷ | زیارت و تلاوت                     |
| ۱۵۷ | العالم بزمانه                     |
| ۱۵۸ | تغییر نگاه                        |
| ۱۵۹ | بصیرت حبیب                        |
| ۱۶۰ | فهم و فقاهاست درک نایب (فهم نایب) |
| ۱۶۱ | سنجه ولایت پذیری                  |
| ۱۶۲ | هوادار ولایت                      |
| ۱۶۳ | حمایت فرهنگی از ولایت             |
| ۱۶۴ | شناسه ولایت مداران                |
| ۱۶۵ | آزمون سنی                         |
| ۱۶۶ | لحظه های پایانی حبیب              |

# ...الى الحبيب

## پیش در آمد

خوشا به حال اصحاب امام حسین (علیه السلام) که در اردوگاه حسینی قرار گرفتند؛ در حیاتشان با حسین بودند و در مماتشان با حسین هستند. هرکس به امام حسین (علیه السلام) سلام می‌کند، به شما اصحاب هم سلام می‌کند. بعد از این که «السلام علیک یا اباعبدالله» می‌گویی، بلافاصله بعد از آن سلام بر اصحاب می‌دهی «وعلى الارواح التى حلت بفنائک».

اصحاب بهترین وسیله ارتباط با امام هستند. بهترین مسیر برای وصول به امام عاشقان، اصحابش که عاشقش بودند، هستند. باید از اصحاب درس آموخت، چه درسی؟ در جواب می‌گوییم هزاران درس! ولی مهم‌ترین درسی که می‌توان آموخت، «مَعِيت» با امام است: اصحاب یک لحظه، هم‌نفسی و معیت با امام را ترک نکردند و این معیت باعث شد که هم در دنیا در حرم اربابشان باشند و هم در بهشت مصاحب امام باشند.

راستی واقعاً اصحاب کیستند که این‌گونه قرب و منزلت یافتند و در بارگاه حسینی در کنار حسین هستند و هر بار که امام حسین را زیارت می‌کنی، باید آن‌ها را هم زیارت کنی، هر بار به امام سلام می‌دهی، به آن‌ها هم سلام می‌دهی؟ هر بار در کربلا یاد امام می‌کنی، آن‌ها هم به یادت می‌آیند. چه سَری است که اصحاب جدای از امام نیستند؟

در فقه گفته می‌شود آب قلیل اگر به کر متصل باشد، دیگر حکم آب کر را دارد. اصحاب هم این‌گونه بودند. خود را به اقیانوسی وصل کردند که برای همیشه حضور دارد. پس آن‌ها هم حضورشان همیشگی است. این سَر جاودانگی اصحاب امام حسین (علیه السلام) با خود امام است.

اما چرا از بین اصحاب، حبيب را گلچین کرده‌ایم؟!



# ...الى الحبيب

## چرا حبيب؟

حبيب تمامی ندارد، چون با قرآن و حسين عليه السلام است. چون قرآن و حسين تمامی ندارند. پس همراهان آن دو هم تمامی ندارند. از حبيب به وسعت قرآن و حسين می شود حرف زد.

حبيب شاگرد خصوصی امام حسين عليه السلام است. وقتی از حبيب تعريف می کنی، یعنی از کسی تعريف می کنی که امام به پایش شکسته شده است. وقتی از حبيب تعريف می کنی، دل امام را می بری.

«ای پیک راستان خبر سرو ما بگو

احوال گل به بلبل دستان سرا بگو

ما محرمان خلوت انسیم غم مخور

با یار آشنا سخن آشنا بگو»

حبيب هر شب با قرآن بوده است. آیا کسی که هر شب در محضر قرآن بوده است و با قرآن ناطق در کربلا بوده است، برای ما حرفی ندارد؟! «گر دیگر بر آن در دولت گذر بود

بعد از ادای خدمت و عرض دعا بگو

آن می که در سبو دل صوفی به عشو برد

کی در قدح کرشمه کند ساقیا بگو»

حبيب چون وصل به کرامت شده است، وجود خودش هم کریم است. پس حبيب

تمام شدنی نیست، همیشگی است و این خصوصیت همه اصحاب عاشورایی است که

تا عاشورا زیارتش جاری است. خواهند گفت: «و علی الارواح التی حلت بفنائک»

این سؤال ها را همیشه باید در طول زندگی از خودمان بپرسیم:

۱. چقدر حبيب در زندگی ما آمده است؟

۲. چقدر با امام حسين عليه السلام همدل و همراه شدیم؟

۳. چقدر قرآنی شدیم؟

۴. چقدر حبيب فهم تر شدیم؟

اگر هنوز هم برایتان ثابت نشد که چرا حبيب؟ بهتر است در ادامه ابعاد شخصیتی

این مرد و جملات امام را در موردش ببینید تا پرتویی از وجود حبيب و اشعه ای از

آستان او را حس کنید و ببینید.



# ... إلى الحبيب

## کدام حبیب؟

بر اساس تعریف انسان کامل از منظر شهید مطهری، انسان کامل انسانی است که تمام ارزش‌ها در او به صورت یکسان رشد و نمو داشته باشد. ایشان در مورد انسان کامل می‌گویند:

«ارزش‌های گوناگونی است که در بشر وجود دارد: عقل، عشق، محبت، عدالت، خدمت، عبادت، آزادی و انواع دیگر ارزش‌ها. حال کدام انسان، انسان کامل است؟ او که فقط عابد محض است؟ او که فقط آزاده محض است؟ او که فقط عاشق محض است؟ او که فقط عاقل محض است؟ نه، هیچ کدام انسان کامل نیست. انسان کامل آن انسانی است که «همه این ارزش‌ها» «در حد اعلی» و «هماهنگ با یکدیگر» در او رشد کرده باشد. علی‌علیه چنین انسانی است.

کمال انسان در تعادل و توازن اوست؛ یعنی انسان با داشتن این همه استعدادهای گوناگون، آن وقت انسان کامل است که فقط به سوی یک استعداد گرایش پیدا نکند و استعدادهای دیگرش را مهمل و معطل نگذارد و همه را در یک وضع متعادل و متوازن، همراه هم رشد دهد که علما می‌گویند اساساً حقیقت عدل به توازن و هماهنگی برمی‌گردد.

مقصود از هماهنگی در این جا این است که در عین این که همه استعدادهای انسان رشد می‌کند، رشدش رشد هماهنگ باشد.<sup>۲</sup>

ایشان انسان کامل را انسانی می‌دانند که همه ابعاد شخصیتی به طور هماهنگ رشد کرده باشد. همچنین ایشان یکی دیگر از ابعاد انسان کامل را جامع‌الاضداد بودن شخصیت انسان کامل می‌دانند.

تعبیر «جامع‌الاضداد بودن» که ما درباره انسان کامل می‌گوییم، صفتی است که از هزار سال پیش علی‌علیه با آن شناخته شده است. حتی خود سید رضی در مقدمه نهج‌البلاغه می‌گوید: مطلبی که همیشه با دوستانم در میان می‌گذارم و اعجاب آن‌ها را برمی‌انگیزم این موضوع است که جنبه‌های گوناگون سخنان علی‌علیه [به گونه‌ای است] که انسان در هر قسمتی از سخنان او که وارد می‌شود، می‌بیند به یک دنیایی رفته است: گاهی در دنیای عبّاد است و گاهی در دنیای زهاد، گاهی در دنیای فلاسفه است و گاهی در دنیای عرفا، گاهی در دنیای سربازان و افسران است و گاهی در دنیای حکام عادل، گاهی در دنیای قضات است و گاهی در دنیای



# ...الى الحبيب

مفتی‌ها. علی‌الغالب در همه دنیاها وجود دارد و از هیچ دنیایی از دنیاهاى بشریت غایب نیست.<sup>۴</sup>

پس می‌توان با مطالعه شخصیت انسان کامل و رجوع به او پاسخ مسائل را گرفت. حبیب نمونه‌ای از انسان کامل است که می‌توان با رجوع به شخصیتش پاسخ مسائل و مشکلات را گرفت.

در این نوشته ما در صدد هستیم که ابعاد گوناگون شخصیت حضرت حبیب را که به طور متوازن رشد کرده است، بررسی کنیم. بدین منظور از هشت منظر که هر کدام بیانگر مسئله‌ای است، به سراغ شخصیت حضرت حبیب رفته‌ایم. این هشت منظر عبارتند از:

۱. حبیب مبلغ
  ۲. حبیب تشکیلاتی
  ۳. حبیب قرآنی
  ۴. حبیب دین‌شناس
  ۵. حبیب رفاقت
  ۶. حبیب رقابت
  ۷. حبیب مهدی
  ۸. حبیب ولی
- در هر یک از این ساحت‌ها به طور مفصل به ابعاد رشد یافته شخصیت حبیب اشاره می‌شود.

